

Research Paper

Turkey's New Role in the Geopolitics of Energy Pipelines in the South Caucasus: Regional Implications for Iran

*Ehsan Fallahi¹ , Saeed Vosoughi²

1. Ph.D. Candidate, Department of Political Sciences, Faculty of Administrative Science and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
 2. Associate Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Administrative Science and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Fallahi E, Vosoughi S. (2020). [Turkey's New Role in the Geopolitics of Energy Pipelines in the South Caucasus: Regional Implications for Iran (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*; 10(35), 60-87



Received: 19 Sep 2019

Accepted: 18 Jul 2020

Available Online: 21 Sep 2020

Key words:

Iran, Turkey, South caucasus, Geopolitics, Energy

ABSTRACT

Countries' economic dependence on fossil fuel consumption has led to growing demand for a stable supply of oil and gas. Hence, energy pipelines have become very important as the most stable method of energy supply. The South Caucasus, despite its small area, is an important region for energy supply, but, due to the geographical constraints, its pipelines must pass through adjacent regions to reach the market. By making the best use of this situation, Turkey has not only become a transit route for energy in the South Caucasus, but also it provides part of its domestic needs. This descriptive-analytical study using quantitative and qualitative data, seeks to answer the question: What is Turkey's role in the energy geopolitics of the South Caucasus? and what are the consequences of this role for Iran? Using the two concepts of "energy transit country" and "energy hub country", the hypothesis that Turkey has become a transit country for the South Caucasus was formulated. In the context of energy geopolitics and the theory of neorealism, it was argued that without Iran's participation in energy transfer projects, Turkey's regional influence would increase compared to Tehran, especially in economic terms.

*** Corresponding Author:**

Ehsan Fallahi, PhD. Candidate.

Address: Department of Political Sciences, Faculty of Administrative Science and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

E-mail: eh.fallahi@ase.ui.ac.ir

مقاله پژوهشی

جایگاه نوین ترکیه در ژئوپلیتیک خطوط لوله انرژی در قفقاز جنوبی و پیامدهای منطقه‌ای برای ایران

* احسان فلاحی^۱، سعید وثوقی^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
 ۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۲۸ شهریور ۱۳۹۸
 تاریخ پذیرش: ۲۵ تیر ۱۳۹۹
 تاریخ انتشار: ۳۱ شهریور ۱۳۹۹

وابستگی اقتصادی کشورها به مصرف سوخت‌های فسیلی باعث تقاضای روز افزون برای عرضه باثبات نفت و گاز شده است. از این رو خطوط لوله انرژی به عنوان باثبات‌ترین روش عرضه انرژی اهمیت بسیار یافته است. قفقاز جنوبی علی‌رغم وسعت کمی که دارد منطقه‌ای مهم برای انتقال انرژی محسوب می‌شود. اما با توجه به محدودیت‌های جغرافیایی حاکم بر منطقه، خطوط لوله آن باید از مناطق مجاور به بازار مصرف برسد. ترکیه با استفاده بهینه از این وضعیت نه تنها تبدیل به مسیر ترانزیت انرژی قفقاز جنوبی شده است، بلکه بخشی از نیاز داخلی خود را نیز تأمین می‌کند. از این رو مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که جایگاه ترکیه در ژئوپلیتیک انرژی قفقاز جنوبی چگونه است؟ و این جایگاه چه پیامدهایی برای ایران دارد؟ با استفاده از دو مفهوم «کشور ترانزیت انرژی» و «کشور کانون انرژی» این فرضیه بررسی شده است که ترکیه تبدیل به کشور ترانزیتی در قبال قفقاز جنوبی شده است. سپس در قالب چارچوبی مفهومی از ژئوپلیتیک انرژی و نظریه نئورئالیسم استدلال شده است که بدون مشارکت ایران در طرح‌های انتقال انرژی، نفوذ منطقه‌ای آنکارا در مقایسه با تهران به‌ویژه در ابعاد اقتصادی افزایش خواهد یافت. رویکرد این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از داده‌های کمی و کیفی (روش ترکیبی) تدوین شده است. در پرتو معادلات حاکم بر ژئوپلیتیک انرژی، نتایج حاصل از این پژوهش نشان از بهبود جایگاه اقتصادی و سیاسی احتمالی ترکیه در قفقاز جنوبی دارد.

کلیدواژه‌ها:

ایران، ترکیه، قفقاز جنوبی، انرژی، ژئوپلیتیک

* نویسنده مسئول:

احسان فلاحی

نشانی: اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، گروه علوم سیاسی.

پست الکترونیکی: eh.fallahi@ase.ui.ac.ir

www.SID.ir

مقدمه

کشورهای منطقه و قدرت‌های ذی‌نفوذ به دنبال خواهد داشت. اگر از چشم‌انداز تاریخی به این قضیه نگاه شود اهمیت موضوع برجسته‌تر نیز خواهد شد؛ زیرا قفقاز جنوبی در برهه‌های تاریخی گوناگون بخشی از خاک ایران و ترکیه بوده است. از این رو تهران و آنکارا رقبای قدیمی در منطقه محسوب می‌شوند. از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی ایران و ترکیه در قبال قفقاز جنوبی به طور بالقوه ابزاری برای افزایش قدرت ملی دو کشور است؛ اما از قوه به فعل در آمدن بخشی از این قابلیت‌ها به طرح‌های انرژی و خطوط انتقال آن در قفقاز جنوبی بستگی دارد؛ اگرچه موقعیت جغرافیایی ترکیه در مجاورت بازار مصرفی اروپا این کشور را تبدیل به یک مسیر ترانزیتی مناسب برای انتقال انرژی قفقاز کرده است، موقعیت جغرافیایی به‌تنهایی نمی‌تواند عامل تبدیل شدن ترکیه به مسیر ترانزیتی خط لوله باشد.

در این زمینه مناسبات سیاسی کشورها عاملی بسیار تعیین‌کننده است؛ به عنوان مثال می‌توان به تمایل سیاسی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بعد از فروپاشی شوروی اشاره کرد که همواره به دنبال تنوع‌بخشی به مسیرهای صادرات انرژی و کاهش وابستگی خود به روسیه بوده‌اند (Wigen, 2012). در این راستا ایران و ترکیه همواره به عنوان دو گزینه در دسترس برای این کشورها مطرح بوده‌اند.

اما نحوه تعاملات ایران در نظام بین‌الملل و چالش‌های بنیادینی که ایران در رابطه با غرب دارد باعث کنار گذاشتن ایران از مسیرهای انتقال انرژی و تقویت جایگاه ترانزیتی ترکیه شده است. از سوی دیگر روسیه نیز به عنوان یکی از مسیرهای قدیمی صادرات انرژی در منطقه مطرح است. اما مسکو از صادرات انرژی به عنوان اهرم فشار علیه اروپا استفاده کرده است که باعث مناقشاتی در

در دنیای معاصر سوخت‌های فسیلی (نفت و گاز) منبع اصلی تأمین انرژی محسوب می‌شوند. اما این منابع در مناطق خاصی از جهان تمرکز یافته است که نیازمند انتقال به بازارهای مصرفی است. راه‌های انتقال انرژی نه‌تنها با منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در ارتباط است، بلکه منافع کشورهای ترانزیتی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. زیرا انتقال انرژی از طریق خطوط لوله علاوه بر این که یک مسئله فنی و جغرافیایی است با ملاحظات سیاسی و منافع اقتصادی کشورهای ذی‌نفع نیز در ارتباط است. به همین جهت ژئوپلیتیک کشورها اهمیت ویژه‌ای در این معادله دارد. قفقاز جنوبی به سبب موقعیتی که مابین آسیا و اروپا دارد؛ ناحیه‌ای ژئواستراتژیک محسوب می‌شود. از میان سه کشور این منطقه تنها گرجستان به شکل غیرمستقیم (از طریق دریای سیاه و تنگه بسفر و داردانل) به آب‌های آزاد دسترسی دارد. جمهوری ارمنستان کاملاً محصور در خشکی است. جمهوری آذربایجان نیز در کنار سواحل دریا خزر کشوری محصور در خشکی محسوب می‌شود که از مقادیر قابل توجهی منابع فسیلی برخوردار است (Aslanli & Isayev, 2019: 643). منطقه قفقاز جنوبی به طور کلی و کشور آذربایجان به طور خاص به سبب نزدیکی به قاره اروپا یک منبع مناسب برای تأمین انرژی کشورهای اروپایی محسوب می‌شود.

اما عدم دسترسی جمهوری آذربایجان به آب‌های آزاد خطوط لوله را تبدیل به منطقی‌ترین گزینه برای صادرات انرژی کرده است. در این میان مناسبات حاکم در قفقاز جنوبی باعث انتخاب مسیرهای خاصی برای راه‌اندازی خطوط لوله شده است که پیامدهای سیاسی و اقتصادی ویژه‌ای را برای

مفهومی پژوهش، نیازمند ارائه تعریفی دقیق از دو مفهوم «ترانزیت انرژی» و «کانون انرژی» هستیم.

در مباحث تخصصی مربوط به ژئوپلیتیک انرژی میان «کشور ترانزیت انرژی» و «کشور کانون انرژی» تفاوت وجود دارد. منظور از کشور ترانزیتی، کشوری است که خط لوله انرژی از قلمرو آن عبور می‌کند و از این طریق صادرکننده و واردکننده به یکدیگر متصل می‌شوند. کشور ترانزیتی نیز مبلغی را از طرفین بابت حق ترانزیت دریافت می‌کند و یا در قرارداد مابین طرفین توافق می‌شود که کشور موردنظر قسمتی از انرژی را به عنوان حق ترانزیت مصرف کند. کشور ترانزیت انرژی در واقع واسطه میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است (Yilmaz-Bozkus, 2018a). اما «کشور کانون انرژی» به کشوری اطلاق می‌شود که انرژی را در یکسو از کشور تولیدکننده خریداری می‌کند و آن را به کشورهای مصرف‌کننده از سوی دیگر دوباره صادر^۳ می‌کند.

به عبارت ساده‌تر از یک طرف سوخت را خریداری و در طرف دیگر آن را به فروش می‌رساند. بنابراین «کشور کانون انرژی» فقط یک رابط نیست. در این شرایط کشور کانونی نقش تعیین‌کننده‌ای در تجارت انرژی ایفا می‌کند و در تعیین شرایط فروش (حداقل از منظر تئوریک) نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در حالی که کشور ترانزیتی به جز حق ترانزیتی که می‌گیرد نقشی در تعیین قیمت و شرایط فروش ندارد. برای اینکه کشوری بتواند تبدیل به کانون انرژی شود، باید به منابع وارداتی متنوع با حجم کافی دسترسی داشته باشد. کشور کانون انرژی باید زیرساخت‌های مناسبی مانند ظرفیت ذخیره عظیم، شبکه خطوط لوله وسیع و پیشرفته، پالایشگاه‌ها و

رابطه مسکو و اروپا شده است. این مناقشات به‌ویژه بعد از وقوع انقلاب‌های رنگی در منطقه و اوکراین تشدید شد؛ در نتیجه اروپا و آمریکا، ترکیه را به عنوان بهترین گزینه ممکن برای طرح‌های انتقال انرژی انتخاب کردند؛ به طوری که ترکیه تبدیل به مسیر انتقال انرژی قفقاز جنوبی و کریدور جنوبی انتقال گاز به اروپا شده است. آنکارا بدین وسیله نه تنها نیاز خود به انرژی‌های فسیلی را تأمین می‌کند؛ بلکه اهمیت منطقه‌ای ترکیه را در بلندمدت افزایش خواهد داد. با توجه به توضیحات بالا این پرسش‌ها مطرح می‌شود که جایگاه ترکیه در ژئوپلیتیک خطوط لوله در قفقاز جنوبی چگونه است؟ و این جایگاه چه پیامدهایی برای ایران دارد؟ با استفاده از دو مفهوم «کشور ترانزیت انرژی» و «کشور کانون انرژی» جایگاه ترکیه در ژئوپلیتیک خطوط لوله در قفقاز جنوبی بررسی شده است. شواهد نشان می‌دهد ترکیه تبدیل به مهم‌ترین کشور ترانزیتی برای قفقاز جنوبی شده است. برای پاسخ به سؤال دوم ابتدا یک چارچوب مفومی از ژئوپلیتیک انرژی و نظریه نئورئالیسم در روابط بین‌الملل ارائه شده است. در این قالب استدلال شده است که نقش حداقلی ایران در ترانزیت انرژی از قفقاز جنوبی و تبدیل شدن ترکیه به کشور ترانزیت انرژی باعث افزایش نفوذ ترکیه در مقایسه با ایران به‌ویژه از لحاظ اقتصادی در قفقاز جنوبی شده است.

۱. ادبیات موضوع

در ادبیات مربوط به ژئوپلیتیک انرژی سوءبرداشتی رایج در مورد دو مفهوم «ترانزیت انرژی»^۱ و «کانون انرژی»^۲ وجود دارد و گاهی به اشتباه به جای یکدیگر استفاده می‌شوند؛ بنابراین پیش از ارائه چارچوب

3. Re-Export

1. Energy Transit
2. Energy Hub

انرژی از آن یاد کرد؛ بنابراین ژئوپلیتیک انرژی به معنای بررسی عرضه نفت و گاز از چشم‌انداز جغرافیا، سیاست و قدرت است (Mitchell, 1996: 1).

ژئوپلیتیک انرژی را می‌توان از ابعاد نظری متفاوتی نگریست؛ به عنوان مثال لیبرال‌ها معتقدند که ژئوپلیتیک انرژی کشورها می‌تواند بستری مناسب برای تجارت میان کشورها فراهم کند و باعث وابستگی متقابل آن‌ها به یکدیگر و افزایش هماهنگی میان آن‌ها شود. در این راستا ممکن است رژیم‌های انرژی مانند اوپک یا آژانس بین‌المللی انرژی را نیز ایجاد کنند (Mohapatra, 2017; Yilmaz-Bozkus, 2018b). اما از چشم‌انداز رئالیستی ژئوپلیتیک تبدیل به یک بازی با حاصل جمع صفر^۴ می‌شود و منافع ژئوپلیتیکی به صورت دستاوردهای نسبی^۵ در مقایسه با دیگران نگریسته می‌شود.

در پرتو نگاه رئالیستی، برگزیدن یک مسیر برای انتقال انرژی، انتخابی سیاسی محسوب می‌شود که به هزینه نادیده گرفتن سایر مسیرهای ممکن انجام می‌شود و این تصمیم پیامدهای سیاسی و اقتصادی خود را برای رقبا به دنبال خواهد داشت (Barnes, 2006: 5; Hayes, Jaffe & Victor, 2006). به طوری که در دنیای بی‌رحم رئالیستی، دولت‌ها برای افزایش قدرت ملی از همه ابزارها ممکن استفاده می‌کنند. انرژی و مسائل مربوط آن نیز به عنوان یکی از این ابزارها در سیاست خارجی مطرح است. کشورهای ترانزیتی نیز از موقعیت سرزمینی خود به عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ بر تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و رقبای منطقه‌ای استفاده می‌کنند. تا بدین وسیله قدرت نسبی خود را افزایش دهند (Yilmaz-Bozkus, 2018a).

4. Zero-Sum Game
5. Relative Gains

حتی امکانات فنی مناسب برای تبدیل گاز طبیعی به گاز مایع داشته باشد. چنین کشوری باید شفافیت لازم را در قانون‌گذاری داشته باشد و بر اساس اصول بازار آزاد رفتار کند (Altundeger, 2015) تا جذابیت لازم را برای سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی و جذب مشتری فراهم کند. حال با روشن شدن دو مفهوم بالا، در ادامه به تشریح ژئوپلیتیک انرژی و نظریه نئورئالیسم به عنوان چارچوب مفهومی پژوهش خواهیم پرداخت.

ژئوپلیتیک در ساده‌ترین تعریف به معنای مطالعه روابط بین‌الملل از چشم‌انداز جغرافیایی یا مکانی است (Parker, 1998: 5). حافظ‌نیا ژئوپلیتیک را «علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر» تعریف می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷). در دانش ژئوپلیتیک شاخه‌های جدیدی شکل گرفته است که یکی از آن‌ها ژئوپلیتیک انرژی است.

از آنجایی که اقتصاد همه کشورهای جهان (هم کشورهای صادرکننده و هم واردکننده سوخت) به انرژی وابسته است؛ بنابراین ژئوپلیتیک انرژی ابعاد پررنگ اقتصادی نیز دارد. به همین جهت در برخی تحلیل‌ها از ژئواکونومیک انرژی استفاده شده است. اما آنچه که بیش از هر چیزی باعث پیوند میان جغرافیا و انرژی شده است مسئله تقسیم ذخایر انرژی میان کشورهای جهان است؛ بنابراین در برخی دیگر از تحلیل‌ها از ژئوانرژی استفاده است؛ زیرا کشورهای کوچک و بزرگ به شکل برابر از سوخت‌های فسیلی بهره‌مند نیستند. از این رو انتقال سوخت‌های فسیلی از مکانی به مکان دیگر با ابعاد جغرافیایی پیوند خورده است. اما این پدیده به میزان زیاد ارتباطی مستقیم با قدرت و سیاست کشورها دارد. به همین سبب می‌توان با عنوان ژئوپلیتیک

آیا ترکیه تبدیل به کانون انرژی منطقه خواهد شد؟ پیامدهای این وضعیت در بلندمدت برای ایران چه خواهد بود؟ سؤالاتی از این جنس در واقع منفعت ایران را به صورت مطلق در نظر نمی‌گیرد، بلکه در مقایسه با دستاوردهای کشور رقیب است که بده‌بستان‌های حوزه انرژی معنای واقعی خواهد یافت. در نگاه اول ممکن است دستاورد نسبی بازیگران در مسیرهای انتقال انرژی چندان تفاوتی در منافع کوتاه‌مدت ایجاد نکند، اما از نظر نئورئالیست‌ها تفاوت در کسب دستاوردهای نسبی در کوتاه‌مدت باعث تفاوت معنادار در سطح توانایی‌ها در بلندمدت و در نتیجه بر هم خوردن موازنه قوا خواهد شد.

۱-۱. استراتژی انرژی ترکیه

موضوع انرژی همواره بخشی از سیاست خارجی کشورها را به خود اختصاص داده است. با توجه به اقتصاد و جمعیت رو به رشد ترکیه این موضوع در سیاست خارجی ترکیه اهمیتی دوچندان یافته است. تا جایی که برخی پژوهشگران معتقدند بدون درک استراتژی انرژی ترکیه، فهم سیاست خارجی این کشور ناقص خواهد بود. در این راستا تونچای بابعلی^۸ رایزن سفارت ترکیه در واشنگتن معتقد است که «[موضوع] انرژی غالب بر تفکر استراتژیک ترکیه است» (Babali, 2009).

اساساً استراتژی انرژی ترکیه تا حد زیادی وابسته به موقعیت جغرافیایی این کشور است؛ زیرا ترکیه به لحاظ جغرافیایی در همسایگی مناطقی قرار دارد (حوزه خزر، خاورمیانه و روسیه) که روی هم رفته ۷۲ درصد منابع اثبات‌شده گاز جهان و ۷۳ درصد ذخایر اثبات‌شده نفت جهان را در اختیار دارند (Re-public of Turkey Ministry of Foreign Affairs,

در نگاه نئورئالیستی (رئالیسم ساختارگرا) الگوی برداشت از منابع کشورها به ساختار بین‌المللی نیز مرتبط است؛ به عنوان مثال در فضای دوقطبی، آمریکا و شوروی بازیگران اصلی برای برداشت منابع بودند و در این راستا در مناطق غنی مانند خاورمیانه با یکدیگر رقابت سنگینی داشتند. اما بعد از پایان نظام دوقطبی خلأ قدرت در برخی مناطق مانند قفقاز جنوبی زمینه را برای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و ترکیه فراهم کرد (Moha-patra, 2017). برای تبیین این رقابت می‌توان از دو مفهوم دستاورد نسبی و مطلق استفاده کرد. والتز به عنوان نظریه‌پرداز اصلی نئورئالیسم معتقد است که در نظام آنارشیک بین‌المللی توانایی‌ها به صورت نامتقارن میان بازیگران توزیع شده است و این مسئله بازیگران را نسبت به دستاوردهای یکدیگر نگران می‌کند. در چنین شرایطی وقتی بازیگران در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند مسئله اصلی برای آن‌ها این نیست که هر یک چه منافعی کسب می‌کنند،^۶ بلکه سؤال اصلی این است که چه کسی دستاورد بیشتری خواهد داشت؟^۷ به عبارت دیگر دستاوردهای نسبی برای بازیگران مهم‌تر از دستاوردهای مطلق است (Waltz, 1979: 100-105).

ترکیه با توسعه شبکه خطوط لوله هم از ایران (تبریز - ارزروم) و هم از قفقاز جنوبی گاز وارد می‌کند و آنکارا بهای آن را به ایران می‌پردازد. اما در قالب نگاه رئالیستی سؤال اصلی فقط این نیست که ایران در قبال صادرات گاز به ترکیه چه مقدار پول دریافت می‌کند، بلکه سؤال‌هایی مهم‌تر به این شکل مطرح می‌شود که ترکیه در قبال واردات گاز از ایران و قفقاز چه دستاوردهایی کسب خواهد کرد؟

6. Will both of us gain?

7. Who will gain more?

8. Tuncay Babali

۶ تا ۸ درصد بوده است (Wigen, 2014: 601). دلیل دوم ناشی از تمایلات اتحادیه اروپا برای متنوع‌سازی^۹ مسیرهای صادرات انرژی خارج از نفوذ روسیه است که ترکیه به عنوان یکی از گزینه‌های جایگزین مطرح است (Tagliapetra, 2014). به عبارت دیگر در استراتژی انرژی ترکیه، به این نکته توجه شده است که آنکارا از کمبود منابع انرژی رنج می‌برد، اما موقعیت جغرافیایی ترکیه کلید حل این مشکل است (Wigen, 2012)؛ به طوری که استفاده بهینه از موقعیت جغرافیایی سبب می‌شود تا ضمن برطرف کردن نیاز داخلی زمینه برای ایفای نقش ترانزیتی ترکیه نیز فراهم شود (Bilgin, 2010).

در همین راستا یکی از هدف‌های برنامه راهبردی (۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹) وزارت انرژی و منابع طبیعی^{۱۰} ترکیه ادغام این کشور در بازارهای انرژی منطقه با استفاده از خطوط لوله است. در این سند تأکید شده است ترکیه با توجه به موقعیت جغرافیایی‌ای که از آن برخوردار است، باید تبدیل به کریدور انرژی منطقه شود (MENR, 2015). این هدف از اواسط دهه ۱۹۹۰ به بعد همواره در استراتژی انرژی ترکیه مطرح بوده است. ضروری است اشاره شود ترکیه برای تأمین نیازهای داخلی خود به طور سنتی وابسته به نفت خاورمیانه و گاز روسیه بوده است؛ بنابراین آنکارا درصدد کاهش وابستگی خود به این دو منبع با نگاه به حوزه خزر (آسیای مرکزی و قفقاز) است. تا ضمن تأمین نیازهای داخلی، در ترانزیت انرژی به اروپا نیز ایفای نقش کند؛ بنابراین حوزه خزر در استراتژی انرژی ترکیه جایگاه برجسته‌ای دارد.

در دوران جنگ سرد ترکیه در عرصه انرژی نقش فعالی نداشت؛ زیرا همان‌گونه که نئورالیست‌ها

نکته قابل توجه این است که ترکیه نه تنها با دارندگان منابع عمده انرژی همسایه است؛ بلکه در مجاورت بازار مصرف اروپا نیز قرار دارد. نکته مذکور اهمیت بسزایی در شکل‌گیری استراتژی انرژی ترکیه دارد. سایر مسائل تأثیرگذار روی استراتژی آنکارا شامل این موارد است: نگرانی از امنیت عرضه انرژی، انگیزه تبدیل شدن به کانون انرژی منطقه، گسترش همکاری‌های تجاری با شرکای منطقه‌ای (به‌ویژه اروپا) در پرتو تبادلات انرژی، بسط مناسبات منطقه‌ای (در قفقاز، خاورمیانه و دریای سیاه) و حضور شرکت‌های انرژی ترکیه در عرصه بین‌المللی (Yilmaz-Bozkus, 2018b; Han, 2011).

مجموع این عوامل باعث شکل‌گیری سه شاخصه اصلی در استراتژی انرژی ترکیه شده است: نخستین شاخص ایجاد تنوع، پایداری و استفاده از منابع انرژی مقرون‌به‌صرفه است. شاخص دوم ایجاد بازار آزاد انرژی و شاخص سوم تبدیل شدن به مسیر ترانزیت انرژی و درنهایت تبدیل شدن به کانون انرژی منطقه است (Krauer-Pacheco, 2011). چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، ایجاد بازار آزاد انرژی یکی از پیش‌شرط‌های لازم برای تبدیل شدن به کانون انرژی است که ترکیه تلاش دارد اقدامات لازم را در این زمینه انجام دهد.

سه شاخص مذکور اگرچه کاملاً به یکدیگر مرتبط هستند؛ اما مورد سوم در این مقاله بیشتر مورد تأکید است؛ زیرا تلاش برای تبدیل شدن به مرکز ثقل انرژی منطقه، محور استراتژی ترکیه در عرصه انرژی است. این انگیزه یک دلیل داخلی عمده و یک دلیل خارجی اصلی دارد. دلیل داخلی به رشد بازار مصرف انرژی در ترکیه مربوط است؛ به طوری که در دهه اخیر رشد مصرف انرژی ترکیه سالانه بین

9. Diversification

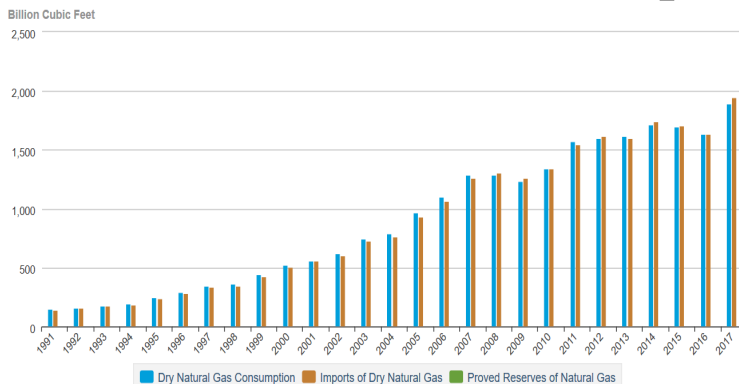
10. Ministry of Energy and Natural Resources (MENR)

(روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، ایران، آذربایجان، قطر، عراق و مصر) از راه ترکیه، قدرت چانه‌زنی آنکارا در مقابل مصرف‌کنندگان و عرضه‌کنندگان^{۱۱} در سطح منطقه‌ای ارتقا یابد. دوره چهارم از ۲۰۱۰ تا کنون، با تأکید بر کانون انرژی شرقی - غربی و شمالی - جنوبی: ترکیه در این گفتمان فقط به عنوان یک کریدور ترانزیت انرژی مطرح نیست، بلکه آنکارا از ۲۰۱۰ به بعد درصدد پی‌ریزی شرایط برای تبدیل شدن به کانون انرژی منطقه است (Bil-gin, 2010). در حال حاضر استراتژی انرژی ترکیه در وهله اول تلاش برای تأمین امنیت انرژی خود و تبدیل شدن به یک کشور ترانزیتی مهم و قابل اتکا در منطقه و در وهله دوم مشارکت در تأمین امنیت عرضه انرژی به اروپا از طریق ایجاد تنوع در منابع و مسیرهای وارداتی است (Han, 2011). با توجه به اهمیت مصرف و واردات نفت و گاز در راهبرد انرژی ترکیه، در قسمت بعدی توضیحات بیشتری در این مورد ارائه شده است.

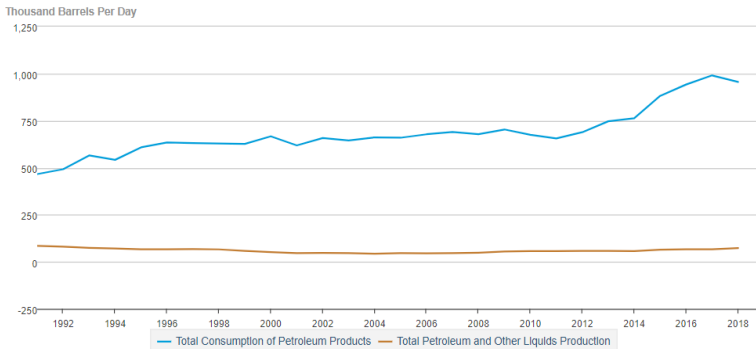
معتقدند سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر ساختارهای بین‌المللی شکل می‌گیرد. بر این اساس بعد از فروپاشی شوروی بود که امکان شکل‌گیری راهبرد انرژی مستقل در سیاست خارجی ترکیه فراهم شد که می‌توان آن را به چهار دوره تقسیم‌بندی کرد.

دوره اول از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ با تأکید فرهنگی - اقتصادی: ترکیه در این بازه علایق کمی در زمینه انرژی از خود نشان می‌داد و بیشتر از چشم‌انداز همکاری‌های فرهنگی و اقتصادی به آسیای مرکزی و قفقاز نزدیک شد. دوره دوم از ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ با تأکید بر کریدور شرقی - غربی از مبدأ خزر: در این دوره با توجه به مشارکت شرکت‌های بین‌المللی، بخش نفت و گاز آذربایجان فعال شد و ترکیه نیز به عنوان مسیر جایگزین روسیه انتخاب شد. آمریکا و اروپا نیز از ترکیه و آذربایجان (محور شرقی - غربی) برای کاهش نفوذ روسیه حمایت می‌کردند. دوره سوم از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ با تأکید بر کریدور شرقی - غربی از اوراسیا و خاورمیانه: در این گفتمان فرض بر این بود که با صادر کردن انرژی کشورهای مختلف

11. Supply Side and Demand Side



تصویر ۱. مصرف، واردات و ذخایر گاز ترکیه

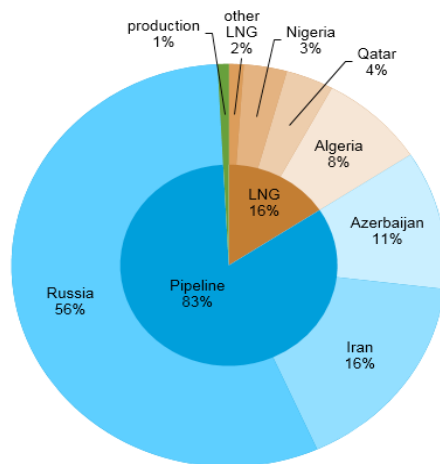


تصویر ۲. مصرف و تولید نفت ترکیه

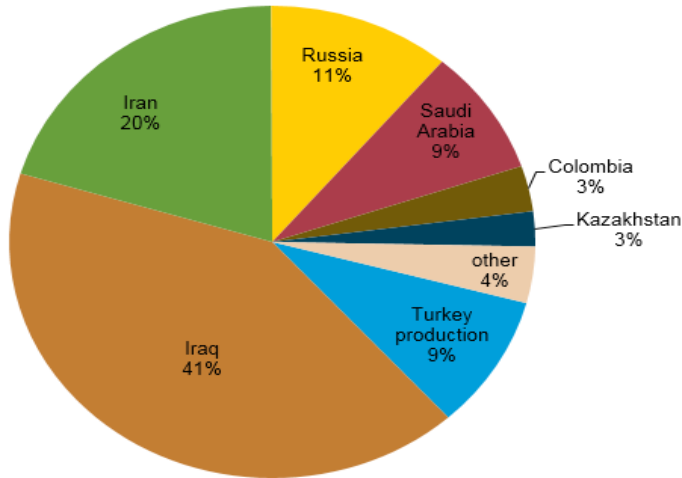
۲۰۱۷ به میزان ۱۸۹۲ میلیارد فوت مکعب گاز و بیش از ۹۵۵ هزار بشکه نفت در روز مصرف کرده است. چنان که در تصویر شماره ۱ (EIA, 2019) و ۲ مشاهده می‌شود ذخایر نفتی و گازی ترکیه تقریباً نزدیک به صفر است. بر اساس اطلاعات مندرج در تصویر شماره ۱ مصرف و واردات گاز ترکیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ کمتر از ۲۰۰ میلیارد فوت مکعب بوده

۲-۱. واردات و مصرف انرژی در ترکیه

ذخایر انرژی ترکیه بسیار محدود است و کفاف نیازهای داخلی را نمی‌دهد. ذخایر گازی اثبات‌شده ترکیه ۰/۱۳ تریلیون فوت مکعب و ذخایر نفتی آن ۰/۳ میلیارد بشکه است. در حالی که بر اساس تصویرهایی که در ادامه آمده‌اند، ترکیه در سال



تصویر ۳. کشورهای صادرکننده گاز به ترکیه



تصویر ۴. کشورهای صادرکننده نفت به ترکیه

جزئی‌تر در مورد واردات گاز ترکیه در تصویر شماره ۳ (EIA, 2017) نمایان است.

همان‌گونه که ذکر شد بیش از ۹۰ درصد نفت مصرفی ترکیه وارداتی بوده است. عراق با ۴۱ درصد رتبه اول و ایران و روسیه به ترتیب با ۲۰ درصد و ۱۱ درصد در تبه‌های بعدی قرار دارند. اطلاعات جزئی‌تر در مورد واردات نفت ترکیه در تصویر شماره ۴ (EIA, 2017) نمایان است.

بانگاهی به مصرف انرژی توسط بخش‌های مختلف در ترکیه مشخص می‌شود که اقتصاد و رفاه ترکیه عملاً وابسته به نفت و گاز وارداتی است. ۴۴ درصد مصرف گاز ترکیه در بخش خانگی، ۳۹/۴ درصد در بخش صنعت و ۱۱/۷ درصد در بخش کشاورزی و جنگل‌داری بوده است. بیشترین میزان مصرف نفت و میعانات وابسته به آن در بخش حمل‌ونقل با ۶۹/۲ درصد است. اطلاعات سایر بخش‌ها در جدول شماره ۱ (IEA, 2019) آمده است. منظور از مصارف

است. این میزان با رشد چشم‌گیر در دو دهه اخیر به بیش از ۱۸۰۰ میلیارد فوت مکعب در سال ۲۰۱۷ رسیده است.

شیب صعودی مصرف و واردات نفت در ترکیه نسبت به گاز طبیعی ملایم‌تر بوده است. چنان‌که در تصویر شماره ۲ (EIA, 2019) مشاهده می‌شود ترکیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ حدود ۵۰۰ هزار بشکه نفت در روز مصرف داشته است این میزان با رشد دوبرابری به حدود ۱ میلیون بشکه در سال‌های اخیر رسیده است. اما تولید نفت ترکیه در سال ۲۰۱۷ تقریباً حدود ۷۳ هزار بشکه در روز است. یعنی بیش از ۹۰ درصد نفت مصرفی در ترکیه از طریق واردات تأمین شده است (EIA, 2017).

۸۳ درصد گاز وارداتی ترکیه از طریق خطوط لوله وارد شده است. در این میان روسیه با ۵۶ درصد در رتبه اول، ایران با ۱۶ درصد در رتبه دوم و آذربایجان با ۱۱ درصد در رتبه سوم قرار دارند. اطلاعات

جدول ۱. میزان مصرف نفت و گاز ترکیه در بخش های مختلف

بخش	گاز	درصد	نفت
مصارف خانگی	۴۴		۰/۷
صنعت	۳۹/۴		۲/۲
تجاری و خدمات عمومی	۱۱/۷		۱/۸
مصارف غیرانرژی	۳		۱۹/۴
حمل و نقل	۱/۵		۶۹/۲
کشاورزی و جنگل داری	۰/۳		۶/۵
ماهگیری	۰/۲		۰/۲

جدول ۲. حجم ذخایر فسیلی قفقاز

کشور/ذخایر	ذخایر نفت (به میلیارد بشکه)	ذخایر گاز (به تریلیون فوت مکعب)
آذربایجان	۷	۳۵
ارمنستان	۰	۰/۳
گرجستان	۰	۰

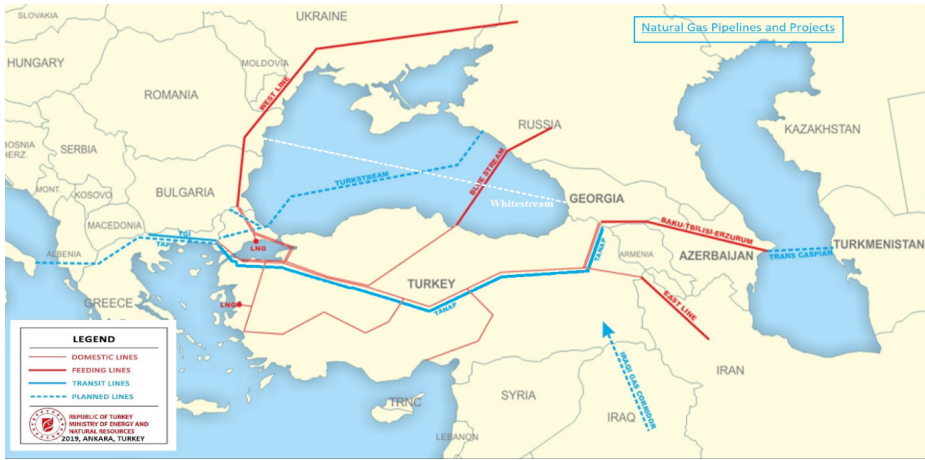
۲۰۳۵) و بلندمدت (۲۰۳۵-۲۰۴۵) را در نظر گرفت. با توجه به حجم انرژی وارد شده به ترکیه و مصرف داخلی این کشور پاسخ به این سؤال در کوتاه مدت «خیر» است. در میان مدت نیز باید میزان تمایل کشورهای منطقه برای احداث مسیرهای ترانزیتی جدید و صادرات انرژی به ترکیه را در نظر گرفت؛ به عنوان مثال خط لوله عرب (قطر به ترکیه)، خط لوله مصر به ترکیه و خط لوله گاز عراق به ترکیه همگی مسیرهای پیشنهادی ترکیه هستند که گفت و گوهای اولیه آن ها انجام شده است. اما اوضاع امنیتی کشورهای اصلی منطقه (عراق و سوریه) که این خطوط لوله از آن ها می گذرد به نفع

غیرانرژی^{۱۲} استفاده در تولید روغن های صنعتی، قیر و غیره است.

۱-۳. ترکیه کشور ترانزیت انرژی یا کانون انرژی

چنان که بیان شد علاوه بر تأمین نیازهای داخلی انگیزه تبدیل شدن به کریدور انرژی و نهایتاً کانون انرژی عاملی مهم در استراتژی انرژی ترکیه است. در پاسخ به این پرسش که آیا ترکیه می تواند تبدیل به کانون انرژی منطقه شود؟ باید سه بستر زمانی کوتاه مدت (۲۰۲۷-۲۰۲۰)، میان مدت (۲۰۲۷-۲۰۲۰)

12. Nonenergy use

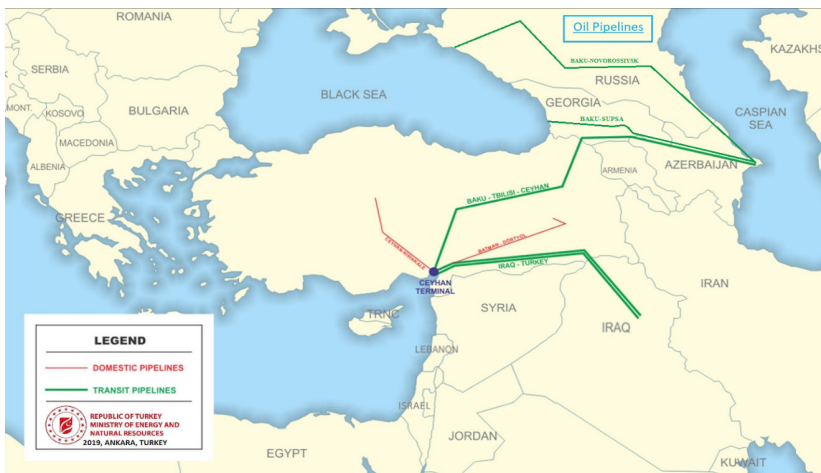


تصویر ۵. خطوط لوله گازی ترکیه و قفقاز

ترکیه رقم نخورده است؛ بنابراین در میان مدت اگر پاسخ به این سؤال منفی نباشد، حداقل در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. در بلندمدت نیز باید طرح‌های رقیب منطقه‌ای مانند خط لوله اسلامی^{۱۳} (ایران - عراق - سوریه) که توسط ایران به جای خط لوله عرب

۱۳. اهمیت ژئوپلیتیکی و حجم انرژی در دسترس این خط

لوله به حدی است که در صورت عملیاتی شدن رؤیای ترکیه برای تبدیل شدن به کانون انرژی منطقه برای همیشه به پایان خواهد رسید. برای مطالعه بیشتر در این مورد رک: (موسوی‌شفائی و زمردی، ۱۳۹۶)



تصویر ۶. خطوط لوله نفتی ترکیه و قفقاز

جدول ۳. خطوط لوله گازی در ترکیه و قفقاز (منبع: نگارنده)

نام خط لوله	مبدأ	مسیر	وضعیت	ظرفیت (bm3)	طول (KM)
خط لوله غربی	روسیه	روسیه، رومانی، بلغارستان، ترکیه	بهره‌برداری شده	۶	۸۴۵ در ترکیه
بلو استریم	روسیه	روسیه، دریای سیاه، ترکیه (سامسن)	بهره‌برداری شده	۱۶	۳۹۰
ترک استریم	روسیه	روسیه، دریای سیاه، ترکیه	در دست احداث	۳۱/۵	۹۱۰
ترکیه-یونان	ترکیه	ترکیه به یونان	بهره‌برداری شده	۷	۸۶
خط لوله آناطولی شرقی	ایران	ایران (تبریز)، ترکیه (ارزروم، آنکارا)	بهره‌برداری شده	۱۴	۱۴۹۱
خط لوله تاناب	ترکیه	غرب به شرق ترکیه	بهره‌برداری شده	۱۶ (قابل ارتقا تا ۳۲)	۱۸۵۰
باکو-تفلیس-ارزروم	آذربایجان	آذربایجان-گرجستان-ترکیه	بهره‌برداری شده	۶/۶ (قابل ارتقا تا ۲۰)	۶۹۰
ترنس کاسپین	ترکمنستان	ترکمنستان، آذربایجان	در حال مذاکره	۳۲	۳۰۰
وایت استریم	آذربایجان و ترکمنستان	دریای سیاه	در دست احداث	۱۶	۱۱۰۰
خط لوله عراق-ترکیه	عراق	اقلیم کردستان، ترکیه	یادداشت‌شده همکاری در ۲۰۰۹ و اعلامیه مشترک در ۲۰۱۰		

حجم ذخایر اثبات‌شده قفقاز را نشان می‌دهد. با وجود این، با اتصال منابع انرژی آسیای مرکزی به خطوط لوله قفقاز جنوبی پتانسیل ترکیه در این زمینه افزایش می‌یابد.

علاوه بر حجم محدود منابع منطقه باید به این نکته نیز توجه داشت که در قفقاز جنوبی علاوه بر مسیر ترکیه راه‌های جایگزین دیگری نیز وجود دارد که بدون عبور از خاک ترکیه به طور مستقیم از طریق دریای سیاه و روسیه به اروپا می‌رسد. با وجود این، ترکیه در حال حاضر تبدیل به مهم‌ترین مسیر ترانزیتی برای قفقاز جنوبی شده است. تصویر شماره

تبدیل ترکیه به کانون انرژی در بلندمدت دور از انتظار نیست (Tagliapietra, 2014)؛ زیرا با اتصال ترکیه به منابع خلیج فارس، غرب آسیا، مصر، روسیه و آسیای مرکزی می‌توان نقش کانون انرژی را برای آن متصور بود. به هر حال جایگاه ترکیه در ژئوپلیتیک انرژی قفقاز جنوبی را نمی‌توان به عنوان «کانون انتقال انرژی» تعریف کرد؛ زیرا چنان‌که بیان شد «کشور کانون انرژی» باید به حجم بالا و متنوعی از انرژی دسترسی داشته باشد. در حالی که منابع انرژی در قفقاز به حدی نیست که به‌تنهایی آمال ترکیه را محقق کند. جدول شماره ۲ (EIA, 2019)

جدول ۴. خطوط لوله نفتی در ترکیه و قفقاز (منبع: نگارنده)

نام خط لوله	مبدأ	مسیر	وضعیت	ظرفیت (میلیون بشکه در روز)	طول (KM)
باکو-تفلیس-جیحان	آذربایجان	آذربایجان، گرجستان، ترکیه	بهره‌برداری شده	۱/۲	۱۷۶۸
باکو-تفلیس-سوپسا	آذربایجان	آذربایجان، گرجستان	بهره‌برداری شده	۰/۱	۸۳۳
باکو-نوروسیسک	آذربایجان	آذربایجان، روسیه	بهره‌برداری شده	۰/۱	۱۳۳۰
کرکوک-جیحان	عراق	اقلیم کردستان، ترکیه	بهره‌برداری شده	۰/۱۵	۹۸۶

جدول ۵. سهام‌داران خط لوله باکو، تفلیس، ارزروم

نام شرکت	کشور	سهام (درصد)
BP (پیمانکار)	انگلیس	۲۸/۸
TAPO	ترکیه	۱۹
Petronas	مالزی	۱۵/۵
Az SCP	آذربایجان	۱۰
Lukoil	روسیه	۱۰
NICO	ایران	۱۰
SGC Midstream	آذربایجان	۶/۷

ترکیه و قفقاز را نشان می‌دهد. خطوط سبز رنگ مسیرهای ترانزیتی نفت به ترکیه را نشان می‌دهد. رنگ قرمز نیز خطوط نفتی داخل ترکیه را نشان می‌دهد. دو خط باکو - نوروسیسک و باکو - سوپسا خارج از قلمرو ترکیه قرار دارد. مشخصات خطوط نفتی که در تصویر شماره ۶ مشاهده می‌شود به طور مختصر در جدول شماره ۴ (BP, 2018) آمده است.

۱-۴. ترکیه مسیر اصلی ترانزیت انرژی در قفقاز جنوبی

بعد از فروپاشی شوروی جبر جغرافیایی حاکم بر قفقاز جنوبی پنج مسیر احتمالی را برای صادرات

۵ (MENR, 2019) مسیر خطوط لوله گازی از ترکیه و قفقاز را نشان می‌دهد که آنکارا را یک قدم به هدف بلندپروازانه‌اش نزدیک‌تر می‌کند.

خطوط قرمز بیانگر مسیرهای واردات گاز ترکیه است. خطوط هاشوری مسیرهای پیشنهادی و خط آبی رنگ لوله ترانزیتی تاناب را نشان دهد. مشخصات این خطوط لوله به طور مختصر در جدول شماره ۳ تدوین شده است. ردیف‌هایی از جدول که رنگ طوسی دارند در ارتباط با ژئوپلیتیک انرژی قفقاز جنوبی هستند که در ادامه به طور مفصل در مورد آن‌ها بحث می‌شود.

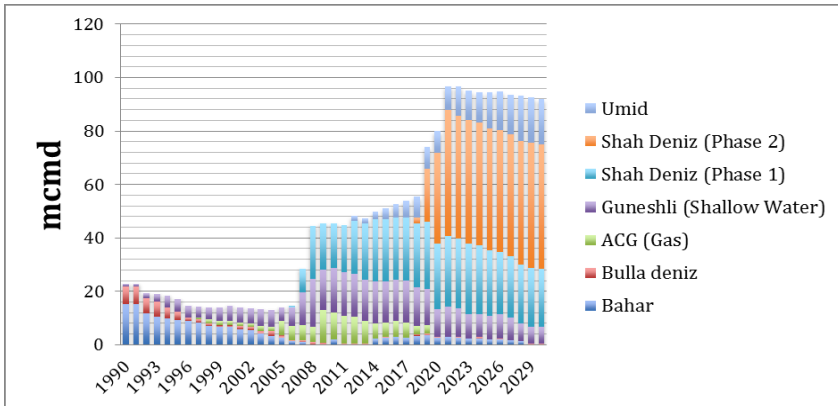
تصویر شماره ۶ (MENR, 2019) مسیرهای نفتی

مسکو امضا شد. در تفلیس نیز قراردادی برای احداث خط لوله نفتی جدید باکو - سوپسا در مارس ۱۹۹۶ امضا شد (Aslanli & Isayev, 2019: 647).

عملیات عمرانی خط لوله باکو - سوپسا در سال ۱۹۹۷ آغاز شد و در دسامبر ۱۹۹۸ به بهره‌برداری رسید. این خط لوله از ترمینال انرژی سنگچال در نزدیکی باکو آغاز می‌شود و نفت را به ترمینال انرژی سوپسا در سواحل گرجستان منتقل می‌کند. سپس به وسیله نفت‌کش‌ها بارگیری و از مسیر دریای سیاه صادر می‌شود. ظرفیت این خط لوله با ۱۰۰ هزار بشکه در روز (SOCAR, 2019) اندکی از ظرفیت ۱۰۵ هزار بشکه‌ای همتای روسی خود کمتر است. با وجود این هیچ‌کدام از این دو خط لوله، انتخاب استراتژیک باکو برای صادرات نفت نبود. باکو خواهان صادرات نفت از مسیر ترکیه به بندر جیحان بود. اما اینکه خط لوله مذکور از مسیر گرجستان، ارمنستان یا ایران عبور کند مسئله‌ای بود که می‌بایست در گفت‌وگو با سایر کشورهای ذی‌نفع تعیین می‌شد. مسیر ایران از همان ابتدا به دلیل مخالفت شرکت‌ها و کشورهای غربی منتفی شد. مسیر ارمنستان نیز به دلیل بحران قره‌باغ مورد موافقت باکو و آنکارا نبود. با وجود این به ایروان پیشنهاد داده شد که در ازای خروج از قره‌باغ در مسیر ترانزیت انرژی مشارکت داده شود. با رد این پیشنهاد در نهایت مسیر گرجستان انتخاب شد (Aslanli & Isayev, 2019: 647-648). بنابراین ایران نه‌تنها برای صادرات انرژی از مسیر جنوبی نادیده گرفته شد، بلکه از قرار گرفتن در مسیر ترانزیت انرژی به ترکیه هم محروم ماند. به هر صورت مذاکرات اولیه باکو - تفلیس - جیحان در اوایل دهه ۱۹۹۰ توسط حزب رفاه در دولت نجم‌الدین اربکان انجام شد. قرارداد تأسیس این خط لوله در ۹ مارس ۱۹۹۳ در آنکارا میان

انرژی در اختیار جمهوری آذربایجان قرار داد: ۱. مسیر جنوبی (باکو - ایران)؛ ۲. مسیر شرقی (باکو - ایران یا دریای خزر به سمت افغانستان و پاکستان)؛ ۳. مسیر شمالی (باکو - نوروسیسک)؛ ۴. مسیر غربی (باکو - سوپسا)؛ ۵. مسیر غربی - جنوبی (باکو - تفلیس، جیحان). یکی از مناسب‌ترین راه‌ها برای صادرات انرژی آذربایجان از طریق خط لوله جنوبی به سمت خلیج فارس و صادرات آن به وسیله نفت‌کش‌ها به بازارهای جهانی است. با وجود این، اکثر قدرت‌های غربی از جمله آمریکا این پیشنهاد را رد کرده‌اند؛ زیرا معتقدند ایران انرژی را گروگان خواهد گرفت. مسیر شرقی نیز به دلیل گذر از خاک ایران، مسافت طولانی و همچنین ناامنی در افغانستان تأیید نشد؛ بنابراین با مذاکره میان دولت آذربایجان و شرکت عامل بین‌المللی آذربایجان^{۱۴} سه مسیر پیشنهادی باقی ماند. مقامات باکو نهایتاً تصمیم به صادرات نفت از مسیر بندر نوروسیسک در روسیه و بندر سوپسا در گرجستان گرفتند. با وجود این نفت تولیدشده آذربایجان در آن دوره کمتر از ظرفیت این دو خط لوله بود. اما باکو برای کاستن از فشار مسکو و در عین حال کاهش وابستگی به روسیه هر دو مسیر را برای صادرات انتخاب کرد. خط لوله باکو - نوروسیسک ۱۳۳۰ کیلومتر طول دارد که ۲۳۱ کیلومتر آن در خاک آذربایجان قرار دارد. این خط لوله از دوران شوروی باقی مانده بود و فقط نیازمند توافق میان آذربایجان و روسیه برای صادرات نفت بود. بدین منظور در ژانویه ۱۹۹۶ توافق‌نامه‌ای در

۱۴. در نتیجه افزایش تعاملات انرژی باکو پس از استقلال، «شرکت عامل بین‌المللی آذربایجان» Azerbaijan International Operating Company (AIIOC) در فوریه ۱۹۹۵ تأسیس شد. این شرکت کنسرسیومی با یازده عضو از آمریکا (چهار شرکت)، انگلیس (دو شرکت شرکت)، ژاپن، نروژ، روسیه، عربستان و ترکیه است. این شرکت در طرح‌های خطوط لوله به شکل مؤثر ایفای نقش کرده است.



تصویر ۷. تخمین برداشت از میدان‌های گازی آذربایجان تا سال ۲۰۳۰

کیلومتر به موازات خط لوله نفتی باکو - تفلیس - جیحان کشیده شده است. ۴۴۳ کیلومتر از این خط لوله در خاک آذربایجان و ۲۴۸ کیلومتر آن در خاک گرجستان قرار دارد که به شبکه داخلی ترکیه متصل می‌شود. این خط لوله از میدان گازی شاه‌دنیز^{۱۸} تغذیه می‌شود (Austvik & Rzayeva, 2017) و یک مسیر مبنایی در صادرات گاز منطقه است؛ زیرا این خط لوله علاوه بر اینکه گاز آذربایجان را به ترکیه صادر می‌کند بخشی از پروژه گازی ترنس کاسپین محسوب می‌شود که در آینده گاز ترکمنستان و احتمالاً قزاقستان را به ترکیه خواهد رساند. سهام‌داران این خط لوله در جدول شماره ۵ (BP, 2018) آمده‌اند. شرکت نفت ایران^{۱۹} ۱۰ درصد سهام این خط لوله را در اختیار دارد.

چنان‌که از توضیحات پیشین برمی‌آید. طرح‌های انتقال نفت و گاز در قفقاز به شکل زنجیره‌وار به یکدیگر متصل است. تا حدی که ترکیه به شکلی دومینوماند در مسیر ترانزیت انرژی قفقاز قرار گرفته

ترکیه و آذربایجان امضا شد. سپس در سپتامبر ۱۹۹۴ شرکت نفت دولتی آذربایجان^{۱۵} توافق‌نامه معروف به قرارداد قرن^{۱۶} را با ۱۱ شرکت خارجی از ۷ کشور امضا کرد. بیش از ۶۰ درصد این کنسرسیوم متعلق به شرکت‌های انگلیسی (۳۴/۱۴ درصد) و آمریکایی (۲۶/۶ درصد) است که بر اساس آن یک توافق تولید مشترک^{۱۷} به مدت ۳۰ سال برای بهره‌برداری از میدان‌های نفتی چراغ، گونشلی و آذر امضا شده است. این خط لوله در سال ۲۰۰۶ به بهره‌برداری رسید (Ediger & Durmaz, 2016).

اگرچه از زاویه دید آنکارا انگیزه اولیه از احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیحان تأمین نیازهای داخلی ترکیه بود (Wigen, 2012) به اعتقاد نگارندگان اهمیت این خط لوله به حدی است که دریچه‌ای برای قراردادهای بعدی شد؛ به عنوان مثال خط لوله گازی باکو-تفلیس - ارزروم به طول ۶۹۱

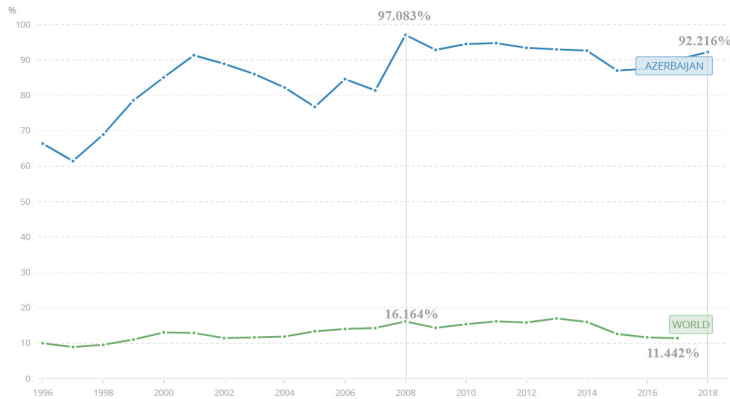
15. State Oil Company of the Azerbaijan Republic (SOCAR)

16. Contract of the Century

17. Production Sharing Agreement (PSA)

18. Shah Deniz

19. Naft Iran Cooperation (NICO)



تصویر ۸. سهم صادرات انرژی در صادرات کل آذربایجان و جهان به درصد

مقدار ۶ میلیارد متر مکعب توسط ترکیه مصرف و ۱۰ میلیارد متر مکعب آن به وسیله خط لوله اتصالی ترکیه - یونان به اروپا منتقل می‌شود. ظرفیت خط لوله تاناب تا ۳۲ میلیارد متر مکعب در سال قابل ارتقا است.

ترکیه تضمین داده است که در صورت افزایش صادرات از طریق تاناب ۱۶ میلیارد متر مکعب را خریداری و ۱۶ میلیارد متر مکعب را به اروپا صادر کند (Yorucu & Mehmet, 2018: 31-32). با وجود این خط لوله تاناب در حال حاضر کمتر از ۲ درصد گاز مصرفی اروپا را تأمین می‌کند. با توجه به این حجم انرژی، ترکیه تا تبدیل شدن به «کشور کانون انرژی» فاصله بسیار دارد (Yilmaz-Bozkus, 2018a). خط لوله تاناب یک پروژه چندجانبه محسوب می‌شود که شرکت کریدور گاز جنوبی^{۲۲} (آذربایجان) ۵۱

است و ایران علی‌رغم پتانسیل جغرافیایی مناسب گرفتار یک بازی حاصل جمع صفر در ژئوپلیتیک انرژی قفقاز شده است. در ادامه به بزرگ‌ترین حلقه این زنجیره اشاره شده است.

خط لوله گاز ترنس آناتولی (تاناب)^{۲۰} در واقع جایگزین پروژه ناباکو است که به دلیل مشکلات و اختلاف مالی اتحادیه اروپا شکست خورد^{۲۱} و به مرحله اجرا نرسید. ترکیه از طریق خط لوله تاناب، گاز آذربایجان را در مرزهای غربی خود دریافت و به مرز یونان منتقل می‌کند. توافق نامه اولیه این خط لوله میان ترکیه و آذربایجان در اکتبر ۲۰۱۱ امضا و در ژوئن ۲۰۱۸ به طور رسمی افتتاح شد (Temizer & Erdogan, 2018). خط لوله تاناب در حال حاضر سالانه ۱۶ میلیارد متر مکعب ظرفیت دارد. از این

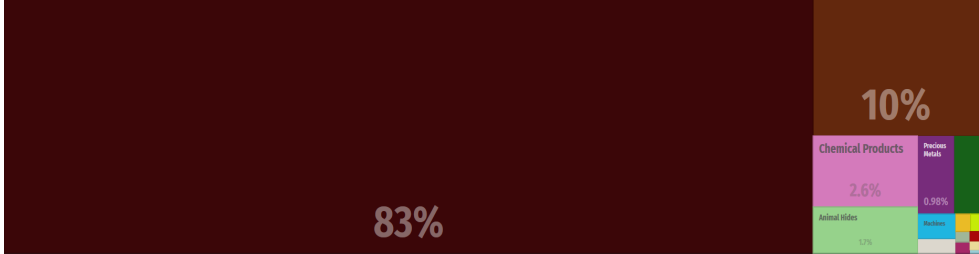
20. Trans Anatolian Natural Gas Pipeline (TANAP)

۲۱. پس از شکست ابرخط لوله ناباکو Nabucco Mega Pipeline تنها قسمتی از آن تأیید شد که از آن با عنوان ناباکو غربی یاد می‌شود. این خط لوله پیشنهادی قرار است از طریق تاناب تغذیه و با عبور از مسیر بلغارستان، رومانی و مجارستان به اتریش برسد (Ediger & Durmaz, 2016).

۲۲. Southern Gas Corridor (SGO) یک شرکت مشترک متعلق به وزارت اقتصاد آذربایجان (۵۱ درصد سهم) و شرکت نفت و گاز دولتی جمهوری آذربایجان - سوکار (۴۹ درصد سهم) است (SGO, 2019).

Mineral Products

Metals



تصویر ۹. ترکیب وارداتی ترکیه از آذربایجان

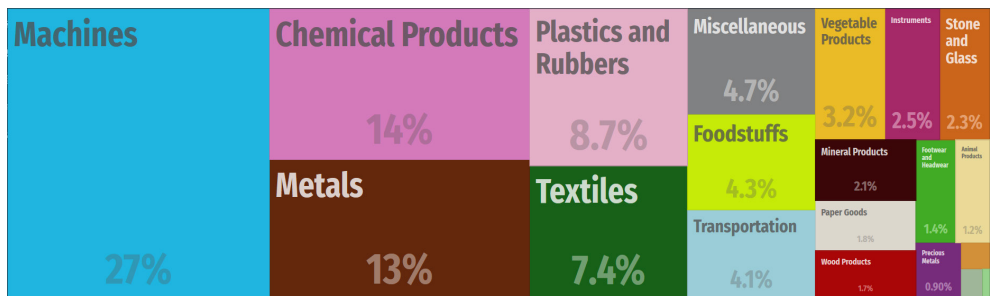
یک یادداشت تفاهم همکاری میان ترکیه، ایران و ترکمنستان برای انتقال عمده گاز ترکمنستان از راه ایران به ترکیه امضا شد. این ایده با مخالفت آمریکا روبه‌رو شد با این استدلال که ایران یک کشور رقیب و نه همکار محسوب می‌شود؛ بنابراین این ایده اجرایی نشد و به جای آن طرح ترنس کاسپین مطرح شد (Umucu, Altunisik & Kok, 2011). خط لوله پیشنهادی ترنس کاسپین تاکنون فراز و نشیب زیادی را پشت سر گذاشته است که هیچ‌کدام عملیاتی نشده است. در آخرین نسخه از این ایده قرار شده است که گاز ترکمنستان از مبدأ بندر ترکمن‌باشی^{۲۴} به ترمینال انرژی سنگچال^{۲۵}

درصد، شرکت بوتاش^{۲۳} ترکیه ۳۰ درصد، شرکت نفت بریتانیا ۱۲ درصد و شرکت مشترک آذربایجان - ترکیه با نام سوکار ترکیه ۷ درصد سهام را به خود اختصاص داده‌اند (Temizer & Erdogan, 2018). برای تغذیه این خط لوله به منابعی فراتر از آنچه در حال حاضر در آذربایجان تولید می‌شود نیاز است. از این رو کشورهای حاشیه شرقی دریای خزر در چشم‌انداز بلندمدت این خط لوله قرار دارند و این مسئله باعث داغ شدن بحث خط لوله ترنس کاسپین در منطقه شده است.

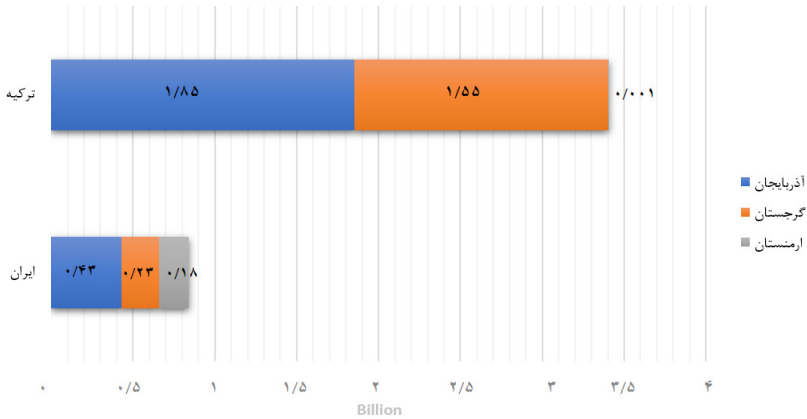
ایده انتقال گاز ترکمنستان به اروپا هم‌زمان با استقلال این کشور مطرح شد. در می ۱۹۹۷

24. Türkmenbaşy
25. Sangachal

23. BOTAŞ Petroleum Pipeline Corporation



تصویر ۱۰. ترکیب صادراتی ترکیه به آذربایجان



تصویر ۱۱. حجم تجارت خارجی ترکیه و ایران با قفقاز در سال ۲۰۱۸

(Trans-Caspian Pipeline, 2019).

در سال ۲۰۰۷ کمیسیون اروپا خط لوله وایت استریم را در لیست پروژه منافع مشترک^{۲۶} اتحادیه اروپا قرار داد. در مارس ۲۰۰۹ در این زمینه با دولت گرجستان یادداشت تفاهم همکاری امضا شد. به این منظور در سال ۲۰۱۱ شرکت سهامی وایت استریم در لندن تأسیس شد. شرکت نفت و گاز گرجستان ۱۰ درصد از سهام این شرکت را در سال ۲۰۱۷ خریداری کرد. همان گونه که ذکر شد یک شعبه از گاز ترکمنستان از طریق خط لوله قفقاز جنوبی به گرجستان خواهد رسید و از آنجا از طریق خط لوله وایت استریم (تصویر شماره ۵) به سواحل رومانی می رسد (Ministry of Energy of Georgia, 2017). البته قبل از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ قرار بود این خط لوله از مسیر شبه جزیره کریمه به اوکراین و اروپا متصل شود که با توجه به مسافت کوتاه تر مقرون به صرفه تر نیز بود. ظرفیت مسیر اولیه ۶/۶

در آذربایجان منتقل شود و سپس از طریق خط لوله قفقاز جنوبی به تاناب برسد (Akyener, 2014). مذاکراتی در این زمینه نیز انجام شده است؛ به عنوان مثال در نوامبر ۲۰۱۴ ترکمنستان یک توافق نامه چارچوب همکاری^{۲۶} با ترکیه برای تغذیه خط لوله تاناب به امضا رساند (Indeo, 2017). همچنین در می ۲۰۱۵ وزرای انرژی آذربایجان، ترکمنستان، ترکیه و نماینده اتحادیه اروپا در عشق آباد بیانیه ای را امضا کردند که بر اساس آن طرفین بر تسهیل تلاش ها در تهیه پیش نویس توافق نامه ای قانونی تأکید کردند و کارگروهی متشکل از معاونین وزرا تشکیل شد (European Commission, 2017). این خط لوله ۳۰۰ کیلومتر طول دارد و ظرفیت آن ۳۲ میلیارد مترمکعب در سال است. پیش بینی شده است خط لوله ترنس کاسپین در سال ۲۰۲۲ به بهره برداری برسد. یک شعبه از این خط لوله به تاناب و شعبه دوم آن از طریق گرجستان به خط لوله وایت استریم در بستر دریای سیاه متصل خواهد شد

26. Framework Agreement on the cooperation

27. Project of Common Interest

۱-۵. پیامدهای منطقه‌ای ژئوپلیتیک خطوط لوله در قفقاز جنوبی برای ایران

رقابت کشورها بر سر مسیر خطوط لوله انرژی به حدی اهمیت دارد که باعث شکل‌گیری اصطلاحی با عنوان جنگ سرد خطوط لوله^{۲۹} شده است. این پدیده شبیه به نوعی یارگیری سیاسی و اقتصادی میان کشورهای رقیب است؛ زیرا کشیده شدن خطوط لوله مابین کشورها باعث ایجاد پیوندهای سیاسی و اقتصادی میان آن‌ها و در نتیجه افزایش اعتبار استراتژیک در سیاست‌گذاری‌های متقابل می‌شود. از چشم‌انداز نئورئالیستی این روند با محرومیت نسبی رقبا همراه است. تجارت خارجی قابل استنادترین شاخص برای نشان دادن محرومیت نسبی ایران در مقایسه با ترکیه در قفقاز جنوبی است که بخش قابل توجهی از آن ناشی از ژئوپلیتیک خط لوله در این منطقه است؛ زیرا این شاخص تا حد زیادی تحت تأثیر صادرات و ترانزیت انرژی کشورهای منطقه قرار دارد. به طوری که میانگین نقش انرژی در صادرات آذربایجان در یک دهه گذشته (۲۰۰۸-۲۰۱۸) بیش از ۹۲ درصد بوده است که این میزان با میانگین جهانی که در تصویر شماره ۸ (The World Bank, 2019) مشخص است تفاوتی فاحش دارد.

از تصویر شماره ۸ می‌توان این نتیجه را گرفت که نفوذ در عرصه ژئوپلیتیک انرژی قفقاز با رشد معنادار تبادلات اقتصادی همراه خواهد شد؛ بنابراین ترکیه با تبدیل شدن به اصلی‌ترین مسیر ترانزیتی در قفقاز تعاملات اقتصادی خود را با منطقه ارتقا داده است. جایگاه تجاری ترکیه و ایران با کشورهای قفقاز در سال ۲۰۱۸ گویای این مسئله است. ترکیه در ۲۰۱۸ رتبه دوم را در میان شرکای صادراتی و وارداتی آذربایجان

میلیارد متر مکعب در سال بود. اما بعد از انضمام شبه‌جزیره کریمه به روسیه مسیر رومانی علی‌رغم مسافت طولانی‌تر جایگزین مسیر اولیه شد. هم‌زمان با توسعه فاز دوم میدان گازی شاه‌دنیز در دسامبر ۲۰۱۷ تصمیم گرفته شد این خط لوله نیز توسعه یابد. با احداث خط دوم این خط لوله ظرفیت آن تا ۲۰ میلیارد متر مکعب در سال ارتقا خواهد یافت (BP, 2018). با توجه به پروژه ترنس کاسپین و افزایش برداشت گاز در آذربایجان، این خطوط لوله آینده‌پرکاری را پیش‌رو دارند. بر اساس پیش‌بینی مؤسسه انرژی آکسفورد برداشت گاز در جمهوری آذربایجان تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۹۲ تا ۹۶ میلیون متر مکعب در روز خواهد رسید. این میزان در سال ۲۰۱۵ حدود ۵۰ میلیون متر مکعب در روز بوده است. تصویر شماره ۷ (Rzayeva, 2015) میزان برداشت روزانه تا سال ۲۰۳۰ را از میدان‌های گازی مختلف در آذربایجان تخمین زده است. بیشترین میزان برداشت در سال‌های آینده از میدان گازی شاه‌دنیز خواهد بود.

چنان که از توضیحات پیشین مشخص است مسیر ترانزیتی گاز قفقاز جنوبی از راه ترکیه به اروپا از چندین فاز عملیاتی تشکیل شده است. خط لوله ترنس کاسپین، خطوط لوله قفقاز جنوبی (باکو - تفلیس - ارزروم)، خط لوله تاناب، خط لوله اتصالی ترکیه - یونان و خط لوله تاپ^{۲۸} بخش‌های این مسیر هستند (تصویر شماره ۵). پیش‌بینی می‌شود که با افزایش برداشت از میدان‌های گازی آذربایجان و تکمیل شدن خط لوله ترنس کاسپین، ترکیه به مطلوب‌ترین جایگاه ترانزیتی در قبال قفقاز جنوبی دست یابد.

28. Trans Adriatic Pipeline (TAP)

29. Pipeline Cold War

جدول ۶: جایگاه ایران و ترکیه در میان شرکای تجاری کشورهای قفقاز جنوبی

کشور	آذربایجان		گرجستان		ارمنستان	
	صادرات	واردات	صادرت	واردات	صادرات	واردات
۱ ایتالیا	روسیه	آذربایجان	(ترکیه)	روسیه	روسیه	روسیه
۲ (ترکیه)	(ترکیه)	روسیه	روسیه	روسیه	سوئیس	چین
۳ اسرائیل	چین	ارمنستان	چین	بلارستان	بلارستان	(ایران)
۴ چک	آلمان	بلارستان	آذربایجان	عراق	عراق	(ترکیه)
۵ هند	آمریکا	(ترکیه)	اوکراین	آلمان	آلمان	آلمان
۶ آلمان	سوئیس	چین	آلمان	هلند	هلند	ایتالیا
۷ روسیه	اوکراین	اوکراین	آمریکا	چین	چین	اوکراین
۸ کانادا	(ایران)	آمریکا	ارمنستان	امارات	امارات	آمریکا
۹ اندونزی	ژاپن	قزاقستان	فرانسه	(ایران)	سوئیس	سوئیس
۱۰ پرتغال	ایتالیا	ازبکستان	ایتالیا	امارات	امارات	فرانسه

جدول ۷: حجم تجارت خارجی ترکیه با کشورهای قفقاز

سال	شاخص	آذربایجان	گرجستان	ارمنستان	قفقاز جنوبی
۲۰۱۵	صادرات	۱,۸۹۸,۷۱۴,۹۴۳	۱,۱۰۹,۰۱۷,۸۶۷	۱,۳۸۶,۰۰۱	۳,۰۰۹,۱۱۸,۸۱۱
	واردات	۲۳۲,۳۷۵,۹۸۱	۲۲۳,۱۰۶,۹۸۷	۹۸۷,۹۰۷	۴۵۶,۴۷۰,۸۷۵
	کل	۲,۱۳۱,۰۹۰,۹۲۴	۱,۳۳۲,۱۲۴,۸۵۴	۲,۳۷۳,۹۰۸	۳,۴۶۵,۵۸۹,۶۸۶
۲۰۱۶	صادرات	۱,۲۸۵,۱۲۷,۰۳۸	۱,۱۷۶,۶۳۳,۷۱۱	۱,۱۲۲	۲,۴۶۱,۷۶۱,۸۷۱
	واردات	۲۷۸,۱۳۱,۳۸۲	۲۱۱,۶۷۹,۸۰۴	۲,۱۴۴,۹۱۹	۴۹۱,۹۵۶,۱۰۵
	کل	۱,۵۶۳,۲۵۸,۴۲۰	۱,۳۸۸,۳۱۳,۵۱۵	۲,۱۴۶,۰۴۱	۲,۹۵۳,۷۱۷,۹۷۶
۲۰۱۷	صادرات	۱,۳۵۶,۹۹۹,۴۰۰	۱,۲۰۸,۶۴۵,۴۱۶	۱۲,۵۷۸	۲,۵۶۵,۶۵۷,۳۹۴
	واردات	۳۵۰,۸۶۹,۶۷۰	۲۱۵,۲۷۶,۲۴۱	۱,۹۵۷,۲۸۱	۵۶۸,۱۰۳,۲۹۲
	کل	۱,۷۰۷,۸۶۹,۰۷۰	۱,۴۲۳,۹۳۰,۶۵۷	۱,۹۶۹,۹۵۹	۳,۱۳۳,۷۶۹,۶۸۶
۲۰۱۸	صادرات	۱,۴۷۳,۶۹۳,۳۹۶	۱,۳۱۵,۵۸۳,۳۸۳	۴,۵۶۴	۲,۷۹۰,۲۸۱,۳۴۳
	واردات	۳۷۸,۷۳۴,۱۱۶	۲۳۳,۸۷۱,۷۱۷	۱,۹۵۷,۲۸۱	۶۱۴,۵۶۳,۲۱۴
	کل	۱,۸۵۲,۴۲۷,۴۱۲	۱,۵۴۹,۴۵۵,۱۰۰	۱,۹۶۱,۹۴۵	۳,۴۰۴,۸۴۴,۴۵۷

جدول ۸: حجم تجارت خارجی ایران با کشورهای قفقاز

سال	شاخص	آذربایجان	گرجستان	ارمنستان	قفقاز جنوبی
	صادرات	۲۳۱,۷۹۷,۶۹۱	۸۲,۰۹۲,۰۶۰	۱۰۱,۹۴۱,۳۶۴	۴۱۵,۸۳۱,۱۱۵
۲۰۱۵	واردات	۱۵,۵۹۵,۹۶۷	۱۸,۳۷۱,۴۳۴	۱۰,۹۲۵,۴۰۴	۴۴,۸۹۲,۸۰۵
	کل	۲۴۷,۳۹۳,۶۵۸	۱۰۰,۴۶۳,۴۹۴	۱۱۲,۸۶۶,۷۶۸	۴۶۰,۷۲۳,۹۲۰
	صادرات	۳۵۸,۶۲۷,۴۷۹	۷۵,۹۱۰,۸۳۸	۱۷۹,۲۲۸,۰۶۷	۶۱۳,۷۶۶,۳۸۴
۲۰۱۶	واردات	۴۶,۷۶۹,۲۱۲	۴۳,۳۳۳,۵۲۳	۲۰,۸۹۱,۷۵۷	۱۱۰,۹۸۴,۴۹۲
	کل	۴۰۵,۳۹۶,۶۹۱	۱۱۹,۲۳۴,۳۶۱	۲۰۰,۱۱۹,۸۲۴	۷۲۴,۷۵۰,۸۷۶
	صادرات	۳۳۳,۷۷۲,۶۲۶	۹۰,۹۸۵,۳۰۶	۲۰۵,۸۹۵,۰۷۶	۶۲۰,۶۵۳,۰۰۸
۲۰۱۷	واردات	۲۶,۸۹۰,۷۸۸	۶۵,۶۸۰,۷۵۵	۲۵,۶۸۰,۴۱۱	۱۱۸,۲۵۱,۹۵۴
	کل	۳۵۰,۶۶۳,۰۵۰	۱۵۶,۶۶۶,۰۶۱	۲۳۱,۵۷۵,۴۸۷	۷۳۸,۹۰۴,۵۹۸
	صادرات	۴۱۰,۵۳۰,۳۳۷	۱۶۱,۵۲۳,۸۲۹	۱۵۸,۹۹۰,۰۶۹	۷۳۱,۰۴۴,۲۳۵
۲۰۱۸	واردات	۲۰,۵۸۵,۲۶۴	۶۸,۹۰۴,۶۹۱	۲۲,۲۸۱,۲۴۳	۱۱۱,۷۷۱,۱۹۸
	کل	۴۳۱,۱۱۵,۶۰۱	۲۳۰,۴۲۸,۵۲۰	۱۸۱,۲۷۱,۳۱۲	۸۴۲,۸۱۵,۴۳۳

شماره ۹ (OECD, 2018) مشخص است.

اما نکته قابل توجه این است که ترانزیت انرژی به شکل غیرمستقیم نیز منجر به همکاری‌های گسترده‌تر اقتصادی شده است؛ به عنوان مثال ۲۷ درصد صادرات ترکیه به آذربایجان ماشین‌آلات، ۱۴ درصد محصولات شیمیایی و ۱۳ درصد فلزات بوده است که بخش قابل توجهی از این موارد در صنعت نفت و گاز آذربایجان استفاده شده است. جایگاه سایر بخش‌ها در تصویر شماره ۱۰ (OECD, 2018) نمایان است.

در جدول‌هایی که در ادامه آمده‌اند جزئیات تجارت خارجی ایران و ترکیه با کشورهای قفقاز از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ نشان داده شده است. آذربایجان در میان کشورهای قفقاز جنوبی بالاترین میزان صادرات و واردات را با ایران و ترکیه داشته است. حجم تجارت

داشته است. در حالی که ایران در میان ۱۰ شریک صادراتی آذربایجان جای ندارد و هشتمین شریک وارداتی آذربایجان است. ترکیه رتبه چهارم صادرات به گرجستان و رتبه اول واردات از این کشور را دارد. اما ایران در میان ۱۰ شریک تجاری گرجستان جای ندارد. مهم‌ترین شرکای تجاری کشورهای قفقاز در جدول شماره ۶ (UN, 2019) آمده است.

بنابراین می‌توان مدعی شد صادرات و ترانزیت انرژی به طور مستقیم بر جایگاه تجاری ایران و ترکیه در قفقاز تأثیر گذاشته است؛ به عنوان مثال ۸۳ درصد واردات ترکیه از آذربایجان در سال ۲۰۱۷ محصولات معدنی (نفت و گاز و میعانات وابسته) بوده است. ۱۰ درصد فلزات، ۲/۶ درصد تولیدات شیمیایی و سایر موارد جزئی‌تر بوده است که سهم اندک آن‌ها در تصویر

قفقاز را می‌توان در قالب دو مفهوم «کانون انرژی» یا «ترانزیت انرژی» ارزیابی کرد. کشوری که تبدیل به کانون انرژی شود قادر خواهد بود که کنترل خود را به شکلی آشکارا بر تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان اعمال کند. اما یک کشور ترانزیتی شاید قادر به اعمال نفوذ مستقیم نباشد، اما جایگاه برجسته‌ای در سیاست‌گذاری طرفین برای خود فراهم خواهد کرد.

ترکیه تا تبدیل شدن به کانون انتقال انرژی فاصله بسیار دارد؛ اما با توجه به حجم منابع موجود در قفقاز جنوبی و مسیرهای انتقالی آن می‌توان مدعی شد که ترکیه تبدیل به مسیر ترانزیت انرژی قفقاز جنوبی شده است. با وجود این یک کشور ترانزیتی بودن آمال بلندپروازانه ترکیه را به صورت حداکثری تأمین نخواهد کرد. حتی از منظر برخی دولت‌مردان ترک نگاه ترانزیتی محض به ترکیه به معنای فروکاستن اهمیت ژئوپلیتیکی آن در حد پل منطقه‌ای است؛ بنابراین طبیعی است که ترکیه از وضعیت ترانزیتی رضایت حداکثری نداشته باشد و با راهبردهای گوناگون (در مناطق مختلف) درصدد ارتقای جایگاه خود به «کانون انرژی» باشد.

با وجود این، نمی‌توان در مورد جایگاه کنونی ترکیه در ژئوپلیتیک انرژی نسخه کلی پیچید. آنکارا نگاهی گام‌به‌گام به جایگاه ترکیه در حوزه ژئوپلیتیک انرژی دارد. مسیر ترانزیتی قفقاز جنوبی از راه ترکیه از چندین فاز عملیاتی تشکیل شده است. خط لوله ترنس کاسپین، خطوط لوله قفقاز جنوبی (BTC, BTE)، خط لوله تاناپ، خط لوله اتصالی ترکیه - یونان، خط لوله تاپ و ناباکو غربی در پیوند با یکدیگر مسیر ترانزیتی شرق به غرب را با مرکزیت ترکیه تکمیل می‌کنند. وضعیت موجود علاوه بر امتیازات اقتصادی، مزایای بلندمدت سیاسی برای آنکارا به همراه خواهد داشت؛ زیرا ترکیه با تبدیل

خارجی ترکیه با آذربایجان در سال ۲۰۱۸ حدود ۱/۸۵ میلیارد دلار بوده است که از این میزان حدود ۱/۴۷ میلیارد دلار صادرات و ۳۸ میلیون دلار آن واردات بوده است. حجم کلی تجارت خارجی ترکیه با گرجستان ۱/۵۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ و حدود ۲ میلیون دلار با ارمنستان بوده است.

مقایسه جدول‌های شماره ۷ و ۸ (UN, 2019) جزئیاتی از تفاوت تجارت خارجی ایران و ترکیه با کشورهای قفقاز را نشان می‌دهد؛ به عنوان مثال حجم کلی تجارت خارجی ترکیه با کشورهای قفقاز جنوبی در سال ۲۰۱۸ حدود ۳/۴ میلیارد دلار بوده است. در حالی که این رقم برای ایران حدود ۸۴۲ میلیون دلار است. اطلاعات جزئی‌تر در مورد تجارت خارجی ایران با کشورهای قفقاز در جدول شماره ۸ (UN, 2019) نمایان است.

به منظور ارائه یک نگاه مقایسه‌ای دقیق‌تر حجم روابط تجاری کشورهای سه‌گانه قفقاز با ایران و ترکیه در تصویر شماره ۱۱ به تصویر کشیده شده است (UN, 2019) به تصویر کشیده است. چنان‌که مشاهده می‌شود روابط تجاری ایران با کشورهای منطقه در سال ۲۰۱۸ یک‌چهارم روابط تجاری ترکیه است. این در حالی است که ترکیه با ارمنستان روابط رسمی ندارد و روابط تجاری دو طرف نزدیک به صفر است.

۲. بحث و نتیجه‌گیری

روند صادرات، واردات و ترانزیت انرژی تبدیل به جریان مهمی در تبادل ثروت و قدرت میان کشورها شده است. ترکیه اگرچه از فقر منابع فسیلی رنج می‌برد، اما با قرار گرفتن در مسیر تبادلات نفت و گاز درصدد افزایش نفوذ خود در ژئوپلیتیک انرژی مناطق مجاور از جمله قفقاز جنوبی است. عمق و دامنه تأثیرگذاری ترکیه در حوزه ژئوپلیتیک انرژی

هر حال باید به این نکته اذعان کرد که فروپاشی شوری فرصت برابری را برای نفوذ ایران و ترکیه در ژئوپلیتیک انرژی قفقاز جنوبی فراهم کرد. شاید در آن برهه تهران نتوانست کشورهای منطقه را به همکاری بیشتر با ایران مجاب کند. در حالی که ترکیه با فعالیت گسترده و در قالب همکاری با کشورهای غربی بستر مناسبی برای همکاری‌های آینده فراهم آورد که میوه‌های آن را در آینده نه چندان دور خواهد چید.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق پژوهشی در مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی نداشته است.

مشارکت نویسندگان

ایده و نگارش: احسان فلاحی؛ نظارت و راهنمایی: سعید وثوقی.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد.

شدن به یک کشور ترانزیتی در قفقاز جنوبی نه تنها بخشی از نیاز داخلی خود را تأمین می‌کند، بلکه توانایی چانه‌زنی و اعمال نفوذ خود را به تدریج (به‌ویژه در بخش اقتصادی) افزایش خواهد داد. حال آنکه بر اساس منطق نئورئالیستی با انباشته شدن دستاوردهای نسبی در بلندمدت، موازنه قوا میان بازیگران رقیب برهم خواهد خورد.

اگر از چشم‌انداز ژئوپلیتیک انرژی به این فرض نئورئالیست‌ها نگریسته شود، پس می‌توان ادعا کرد کشیده شدن خطوط لوله از قلمرو یک دولت با محرومیت نسبی سایر دولت‌ها همراه است. با بسط دادن نگاه نظری مذکور به مناسبات ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی، این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که ژئوپلیتیک خطوط لوله در قفقاز جنوبی چه پیامدهایی را برای ایران به همراه خواهد داشت؟ چنان‌که اشاره شد عمده‌ترین خطوط لوله انرژی حوزه خزر بدون مشارکت ایران و از طریق ترکیه به اروپا منتقل شده است. ارمغان این وضعیت برای ترکیه افزایش قدرت اقتصادی و نفوذ در منطقه است و پیامد آن برای ایران کاهش نفوذ اقتصادی و سیاسی در مقایسه با ترکیه است. مهم‌ترین شاخص برای بررسی این مدعا حجم تبادلات اقتصادی ایران و ترکیه با کشورهای قفقاز است.

در این راستا باید اشاره کرد که زیرساخت‌های خطوط لوله تجهیزاتی سرمایه‌بر هستند، برای بلندمدت طراحی می‌شوند و مبنای همکاری گسترده‌تر اقتصادی را شکل می‌دهند؛ بنابراین کشورهایایی که در این زمینه با یکدیگر مشارکت می‌کنند وابستگی متقابل سیاسی - اقتصادی به یکدیگر پیدا می‌کنند؛ به طوری که ممکن است در مقابل طرف ثالث واکنش‌های هماهنگ اتخاذ کند و نوعی اتحاد نانوشته میان طرف‌ها شکل بگیرد. به

منابع فارسی

حافظنیا، م. ر. (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: انتشارات پابلی.

موسوی‌شفائی، س. م.، و زمردی، ز. (۱۳۹۶). ژئوپلیتیک گاز و
مداخله‌ی ترکیه در سوریه. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*،
۱۷۵-۱۴۷، (۲۲)۶.

References

- Akyener, O. (2014). *Doability of Trans-Caspian pipeline and deliverability of Turkmen gas to Turkey & EU*. Paper presented at 9th Pipeline Technology Conference, Estrel Convention Center, Berlin, Germany, 12-14 May 2014. <https://www.pipeline-conference.com/abstracts/doability-transcaspian-pipeline-and-deliverability-turkmen-gas-turkey-eu>
- Altundeger, N. (2015). *A dream coming true? Turkey becoming an energy hub*. Paper presented at The 2015 WEI International Academic Conference Proceedings, Prague, Czech Republic, 18-20 May 2015. <https://www.west-eastinstitute.com/wp-content/uploads/2015/06/Nuret-tin-Altundeger.pdf>
- Aslanli, A., & Isayev, A. (2019). TANAP and TAP as part of Azerbaijan's energy strategy. In M. Ibrahimov, A. Aleksic, & D. Dukic, (Eds.), *Economic and social development: 37th international scientific conference on economic and social development - "Socio economic problems of sustainable development"* (pp. 642-649). Varazdin/Baku/Koprivnica/Warsaw/Rabat: Varazdin Development and Entrepreneurship Agency/Azerbaijan State University of Economics (UNEC)/University North, Koprivnica/Faculty of Management University of Warsaw/Faculty of Law, Economics and Social Sciences Sale-Mohammed V University in Rabat.
- Austvik, O. G., & Rzaeva, G. (2017). Turkey in the geopolitics of energy. *Energy Policy*, 107, 539-47. [DOI:10.1016/j.enpol.2017.05.008]
- Babali, T. (2009). Turkey at the energy crossroads. *Middle East Quarterly*, 16(2), 25-33. <https://www.researchgate.net/publication/280008642>
- Barnes, J., Hayes, M. H., Jaffe, A. M., & Victor, D. G. (2006). Introduction to the study. In D. G. Victor, A. M. Jaffe, M. H. Hayes, (Eds.), *Natural gas and geopolitics from 1970 To 2040* (pp. 3-24). New York: Cambridge University Press. [DOI:10.1017/CBO9780511493492.002]
- Bilgin, M. (2010). Turkey's energy strategy: What difference does it make to become an energy transit corridor, hub or center? *UNISCI Discussion Papers*, (23), 113-28. <https://www.redalyc.org/pdf/767/76715004007.pdf>
- British Petroleum in Georgia. (2018). South Caucasus pipeline. Retrieved from https://www.bp.com/en_ge/georgia/home/who-we-are/scp.html
- Ediger, V. Ş., & Durmaz, D. (2016). The new geopolitical game in the Caspian region: Azerbaijan-Turkey energy relations. *Turkish Policy Quarterly*, 15(2), 131-49. <http://turkishpolicy.com/article/819/the-new-geopolitical-game-in-the-caspian-region-azerbaijan-turkey-energy-relations>
- EIA. (2019). International energy statistics Turkey, energy information administration. Retrieved from Not Found Link
- European Commission. (2017). The Commissioners: The European Commission's political leadership. Retrieved from https://ec.europa.eu/commission/commissioners/2014-2019/sfcovic/announcements/ashgabat-declaration_en
- Hafeznia, M. R. (2006). [Principles and concepts of geopolitic (Persian)]. Mashhad: Papoli. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/790907>
- Han, A. K. (2011). Turkey's energy strategy and the Middle East: Between a rock and a hard place. *Turkish Studies*, 12(4), 603-17. [DOI:10.1080/14683849.2011.622511]
- IEA. (2019). Data and statistics. Retrieved from <https://www.iea.org/statistics>
- Indeo, F. (2017). EU-Central Asia energy dimension: New positive steps for a Trans-Caspian corridor? Retrieved from <https://www.enpg.ro/eu-central-asia-energy-dimension-new-positive-steps-for-a-trans-caspian-corridor-by-fabio-indeo/>
- Krauer-Pacheco, K. (2011). Turkey as a transit country and energy hub: The link to its foreign policy aims. *Arbeitspapiere und Materialien / Forschungsstelle Osteuropa an der Universität Bremen, December*, 118. <https://www.ssoar.info/ssoar/handle/document/44092>
- MENR. (2019). Natural gas pipelines and projects, Ministry of Energy and Natural Resources. Retrieved from <https://www.enerji.gov.tr/en-US/Pages/Natural-Gas-Pipelines-and-Projects>
- Ministry of Energy and Natural Resources (MENR). (2015). Strategic energy plan 2015-2019. Retrieved from <https://policy.thinkbluedata.com/node/2245>
- Ministry of Energy of Georgia. (2017). Transportation of Turkmen gas to European markets - Trans-Caspian gas pipeline and white stream. Retrieved from <https://www.>

- energy-community.org/dam/jcr:5879c378-a5f3-465b-8546-5085e2c5fcd4/GEORGIA%20TCP%20WS.pptx
- Mitchell, J. (1996). *The new geopolitics of energy*. London: Royal Institute of International Affairs. <https://catalogue.nla.gov.au/Record/2935647>
- Mohapatra, N. K. (2017). Energy security paradigm, structure of geopolitics and international relations theory: From global south perspectives. *GeoJournal*, 82(4), 683-700. [DOI:10.1007/s10708-016-9709-z]
- Mousavi Shafae, S. M., & Zomorodi, Z. (2017). [Geopolitics of gas and Turkey intervention in Syria (Persian)]. *Strategic Research of Politics*, 6(22), 147-75. [DOI:10.22054/QPSS.2017.13196.1377]
- Parker, G. (1998). *Geopolitics: Past, present and future*. London & Washington: Printer. <https://books.google.com/books?id=9yOFAAAMAAJ&q>
- Republic of Turkey Ministry of Foreign Affairs. (2009). Turkey's energy strategy deputy directorate general for energy, water and environment. Retrieved from [http://www.mfa.gov.tr/data/DISPOLITIKA/EnerjiPolitikasi/Turkey's%20Energy%20Strategy%20\(Ocak%202009\).pdf](http://www.mfa.gov.tr/data/DISPOLITIKA/EnerjiPolitikasi/Turkey's%20Energy%20Strategy%20(Ocak%202009).pdf)
- Rzayeva, G. (2015). The outlook for Azerbaijani gas supplies to Europe: Challenges and perspectives. *OIES Paper*, NG 97. [DOI:10.26889/9781784670283]
- Southern Gas Corridor (SGO). (2019). About us. Retrieved from <https://www.sgc.az/en/about>
- State Oil Company of the Azerbaijan Republic (SOCAR). (2019). Baku-Supsa Western Export Pipeline. Retrieved from <http://www.socar.az/socar/en/activities/transportation/baku-supsa-western-export-pipeline>
- Tagliapietra, S. (2014). Turkey as a regional natural gas hub: Myth or reality? An analysis of the regional gas market outlook, beyond the mainstream rhetoric. *FEEM Working Paper*, 2. [doi:10.2139/ssm.2384492]
- Temizer, M., & Erdogan, H. (2018). Turkey: Historic TAN-AP gas pipeline project goes live. Retrieved from <https://www.tanap.com/media/news/turkey-historic-tanap-gas-pipeline-project-goes-live/>
- The World Bank. (2019). Fuel exports (% of merchandise exports). Retrieved from <https://data.worldbank.org/indicator/TX.VAL.FUEL.ZS.UN>
- The Observatory of Economic Complexity (OEC). (2018). Azerbaijan. Retrieved from <https://oec.world/en/profile/country/aze>
- Trans-Caspian Pipeline. (2019). Turkmenistan's physical link to Europe. Retrieved from <http://www.w-stream-transcaspian.com/turkmenistans-physical-link-to-europe/>
- U.S. Energy Information Administration (EIA). (2017). Country analysis brief: Turkey. Retrieved from <https://www.eia.gov/beta/international/analysis.php?iso=TUR>
- Umucu, T., Altunisik, M., & Kok, M. V. (2011). Turkey as a major gas transit hub country. *Journal Energy Sources, Part A: Recovery, Utilization, and Environmental Effects*, 34(4), 377-84. [DOI:10.1080/15567036.2011.606455]
- United Nations (UN). (2019). UN comtrade database. Retrieved from <https://comtrade.un.org/data/>
- Waltz, K. N. (1979). *Theory of international politics*. New York: McGraw-Hill. <https://books.google.com/books?id=j6qOAAAAMAAJ&q>
- Wigen, E. (2012). Pipe dreams or dream pipe? Turkey's hopes of becoming an energy hub. *The Middle East Journal*, 66(4), 598-612. [DOI:10.3751/66.4.12]
- Yilmaz-Bozkus, R. (2018a). Analysis of Turkey's role as a possible energy hub. *GeoJournal*, 84, 1353-64. [DOI:10.1007/s10708-018-9928-6]
- Yilmaz-Bozkus, R. (2018b). Main determinants of Turkey's foreign oil and natural gas strategy. *Journal of Research in Economics, Politics & Finance*, 3(2), 114-32. <https://www.researchgate.net/publication/327974272>
- Yorucu, V., & Mehmet, O. (2018). *The Southern energy corridor: Turkey's role in European energy security*. Cham: Springer International Publishing. [DOI:10.1007/978-3-319-63636-8]